



فعال فرهنگی محله کوشش خاطره‌ای شنیدنی از زیارت بردن نوجوانان دارد

الطاف کریمانه در روز تاسوعا



صندوق
خاطرات

قول دادم که روز تاسوعا به اتفاق هم پیاده به حرم مشرف شویم. بچه‌ها هم از این موضوع استقبال کردند. اما آن‌ها یک درخواست کوچک هم از آقا محمد داشتند: «آن‌ها دلشان می‌خواست از آقا علی بن موسی الرضا^(ع) تبرکی داشته باشند. اما نمی‌توانستیم قولش را به بچه‌ها بدهیم. از طرفی هم دلم نمی‌آمد ناامیدشان کنیم. دوست داشتم هر طور شده خواسته‌شان را برآورده کنم.»

● عنایت خاص در روز تاسوعا

روز موعود، بچه‌ها در مسجد جمع شدند. هنگامی که صباغ به مسجد آمد از جمعیت بچه‌ها شگفت زده شد که چند برابر تصور او بود. از طرفی خوشحال بود که جمعیت زیادی برای پیاده‌روی تاسوعا آمده‌اند و از طرفی هم دغدغه داشت که چطور برای

سمیرا منشادی اهر سال که تاسوعا و عاشورا فرامی‌رسد، محمد صباغ، فعال فرهنگی مسجد آل پیغمبر در محله کوشش، خاطره‌زیبایی را به خاطر می‌آورد که سال ۹۹ برایش رقم خورد. او که کارشناسی حقوق دارد، به خاطر دغدغه کار فرهنگی تصمیم گرفته است در مسجد آل پیغمبر هم فعالیت داشته باشد. از دوران نوجوانی با فعالیت‌هایی که روحانی جوان و خوش ذوق محله‌شان داشت، جذب کارهای فرهنگی شد و حالا خودش تلاش می‌کند مانند آن طلبه، نوجوانان محله‌اش را بیشتر با مسجد مانوس کند. خاطره او نیز به هم نشینی با همین نوجوانان محله برمی‌گردد. او معتقد است نیت پاک همین بچه‌ها در آن روز تاسوعا سبب شد خاطره‌ای به یادماندنی در ذهن همه ثبت شود.

● همفکری در حلقه صالحین

محرم سال ۱۳۹۹ محمد آقا برای کودکان و نوجوانان حلقه صالحینی برپا می‌کرد. آن‌ها قبل از محرم برای پذیرایی از عزاداران، خود را آماده می‌کردند. با شروع این ماه، هر شب برای پذیرایی از عزاداران حسینی، پسران به مسجد می‌آمدند تا در کنار مسئولان مسجد و هیئت، قدمی در این راه بردارند. نه گرمای هوا و نه جمعیت زیاد عزاداران، هیچ‌کدام مانع از خدمت‌پسرن نشده بود و هر شب با انرژی بیشتری برای کمک‌رسانی به مسجد می‌آمدند. صباغ می‌گوید: از روز اول به بچه‌ها که حدود ۱۰ نفری می‌شدند،



این تعداد زیاد تبرکی جور کند. آن‌ها از میدان بسیج به سمت حرم رضوی پیاده به راه افتادند. در راه، روحانی همراهشان با پسرها درباره قیام عاشورا صحبت می‌کرد.

وقتی به حرم رضوی رسیدند، اذن ورود خواندند و آداب زیارت را به جا آوردند. روحانی که همراه پسرها بود، برایشان روضه‌ای خواند. بعد از زیارت قصد برگشت داشتند که آن اتفاق رخ داد. صباغ در ادامه می‌گوید: در حال خروج از حرم مطهر رضوی بودیم که از طرف خادمان برای گرفتن تبرکی دعوت شدیم. اول کمی جا خوردیم. گفتند هماهنگ شده است که به پسرها تبرکی داده شود. خیلی خوشحال شدم. در یک لحظه به ذهنم آمد که این عنایت امام رضا^(ع) و صاحب روز تاسوعا، حضرت ابوالفضل عباس^(ع) است.

پسرها هنوز از گرفتن بسته‌های تبرکی شگفت زده بودند که اتفاق دوم رخ داد. آقا محمد تعریف می‌کند: هنوز در حرم بودیم که مسئولان هیئت تماس گرفتند و برای صرف شام نوجوان‌های ما رادعوت کردند. این موضوع همه آن‌ها را سر ذوق آورد. مهمان سفره کرم حضرت ابوالفضل^(ع) شده بودند. در ابتدای روز فکرش را هم نمی‌کردند که به چنین مهمانی پربرکتی دعوت شوند.

صباغ می‌گوید: آن سال تاسوعا برایم رنگ دیگری داشت. هرچند در سال‌های بعدی هم به زیارت امام رضا^(ع) رفتیم و پذیرایی هم انجام شد، اما آن سال تعداد زیاد بچه‌ها و خبرهای خوشی که به آن‌ها دادند، رنگ و بوی دیگری داشت.

میان‌دار نوجوان محله امام خمینی (ره)
از حال و هوای خادمی برای امام حسین (ع) می‌گوید

نقش ابوالفضل در شور حسینی



امید محله

تکرار می‌کنند، دوسه بیت است و طولانی است. نوع دیگر پاره دم است که یک بیت است و در شیوه نوین سینه‌زنی و عزاداری به کار می‌رود. میان‌دار به فراخور عزاداری ابیات را تکرار می‌کند.

● در سال‌های میان‌داری، بیتی که بیشترین تأثیر را رویت گذاشته، کدام است؟
دردم مردن روی تو دیدن خوش‌است/یا حسین^(ع) یا حسین^(ع) گفتن و مردن خوش‌است.

● باتوجه به حمله ظالمانه رژیم صهیونیستی، امسال برنامه‌هایتان فرقی هم خواهد کرد؟
مداحی‌ها سبک و سوزی حماسی دارد. سخنران‌ها هم به موضوعات جنگ، مقاومت و شهادت توجه ویژه دارند.

● به نظر خودت محرم چقدر در روحیه شهادت‌طلبی مردم مؤثر است؟
پیام امام حسین^(ع) در عاشورا، مقابله با ظلم بود. بی‌شک مردم این پیام را درک کرده‌اند. حال و هوای مردم در این ایام، دیدنی است.

● آن‌طور که گفتی، میان‌دار وظایف مهمی دارد. انجام این وظایف به درس و مدرسه‌ات خللی وارد نمی‌کند؟
الان که تابستان است و به مدرسه نمی‌روم. اما سال‌هایی را در خاطر دارم که محرم در دی ماه بود و امتحان ترم اولم بود. ۱۲ شب از هیئت به خانه برمی‌گشتم تا ۶ صبح درس می‌خواندم و بدون اینکه بخوابم به مدرسه می‌رفتم و امتحان می‌دادم.

بودم اما سه سال پیش، طی مراسمی که بزرگان هیئتمان در آن حضور داشتند، یکی از سادات، شال میان‌داری را دور گردنم انداخت. از آن روز به طور رسمی این وظیفه را به عهده گرفته‌ام.

● چه حسی داشتی؟
حال خاصی داشتم که تا وقتی زنده‌ام باید نوکر الهی بیت^(ع) باشم. به این فکر می‌کردم که انتخاب شده‌ام تا در این راه قدم بردارم.

● از مجلس گرم‌کنی میان‌دار هم برایمان بگو.

دو مدل دم‌دادن داریم که نوعی شور دادن به مجلس است. دودمه که ویژه عزاداری‌های سنتی است و متنی که میان‌دار می‌خواند و بقیه



● پدربت مداح است و تو میان‌دار هیئت شدی؟
این وظیفه، چه جذابیتی برایت داشت؟
من انجام کارهای اجرایی در هیئت را دوست داشتم و بخشی از کار میان‌داری، اجرایی است.

● وظیفه میان‌دارها دقیقاً چیست؟
در نظر عامه، میان‌دار وقت سینه‌زنی یا تکرار جملات خاصی به مراسم شور می‌دهد و نظم مراسم را هم بر عهده دارد. اما در واقع، میان‌دار نفر دوم هیئت است؛ یعنی اگر سرپرست نباشد، هماهنگی همه امور با اوست. این رتبه آن قدر جدی است که برایش مراسم برگزار می‌شود.

● برای تو هم برگزار شد؟
بله. شش سالی به طور غیررسمی میان‌دار

